

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

چکیده بحث گذشته

بحث در این بود که در قسمت دوم از همین فرع اول؛ که اگر کسی در اثناء نماز شك کند که آیا این نماز، نمازِ ظهر است یا عصر؟ و فرض این است که یقین دارد نماز ظهر را نیاورده، یا نسبت به نماز ظهر شك است، اینجا مرحوم سید در متن عروه فرمودند که این نماز را به نماز ظهر عدول کند، یعنی از حالا به بعد نیت کند بقیه‌ی نماز را به عنوان ظهر انجام دهد و همچنین اجزائی را که تا به حال آورده به عنوان ظهر باشد و این نماز به عنوان نماز ظهر واقع می‌شود. مرحوم محقق عراقی فرمودند که دلیل برای عدول، روایاتی است که دلالت بر این دارد که عدول از لاحقه به سابقه، یا عدول از فریضه به نافله درست است، و طبق این بیان می‌خواهند استفاده کنند که ما نحنُ فیه یکی از مصادیق این روایات واقع می‌شود. این تعبیر را هم مرحوم محقق عراقی دارد و هم بعد از ایشان مرحوم آقای حکیم دارند که می‌فرمایند این عدولی که مرحوم سید فرموده، «عدول رجائی» است، یعنی به رجاء عدول إلی الظهر است.

آیا عدول موضوعیت دارد؟

مطلبی که در بحث گذشته عرض کردیم این بود که آیا از روایاتی که دلالت بر عدول واقعی دارد – عدول واقعی؛ یعنی عدولی که این روایات دلالت دارد و این شخص عنوان معدولُ عنه را بداند و از آن به معدولُ إلیه عدول کند – در ما نحنُ فیه چنین چیزی وجود ندارد، چون نمی‌داند که این نمازِ ظهر است یا عصر؟ آیا با این وجود ما می‌توانیم از این روایات برای ما نحنُ فیه استفاده کنیم؟ ما يك تأمل و مناقشه‌ای در بحث گذشته داشتیم. رفع این تأمل به این است که ما اگر برای خود عنوان عدول، موضوعیت قائل شویم، مجالی برای این تأمل و اشکال وجود دارد، که بگوئیم شخص باید قصد عدول کند، یعنی از روایات عدول استفاده کنیم که در چنین مواردی قصد عدول لازم است. کسی در حال خواندن نماز عصر است، یادش افتاد نماز ظهر را نخوانده، خودش باید قصد عدول إلی الظهر کند، کسی در حال خواندن فریضه است و می‌خواهد این نماز فریضه را نافله قرار دهد، قصد عدول لازم است. بعبارة أُخری؛ اگر بگوئیم عدول، عنوان قصدي است، مثل خود ظهریت و عصریت، آن وقت اینجا چنین قصدي نمی‌تواند محقق شود، چون اگر واقعاً از اول ظهر باشد که عدول نیست. اما اگر گفتیم از روایات عدول استفاده نمی‌شود که خود عدول، يك عنوان قصدي است، بلکه روایات عدول می‌گوید اگر شما در اثناء نماز عصر یادت افتاد که نماز ظهر نخواندی، اگر از الان به بعد قصد نماز ظهر کردی، این به حسب واقع، عدول محقق می‌شود، یعنی آنچه که لازم است این است که در بقاء و استمرار نماز، چه قصدي لازم است بکنید؟ اگر در بقاء نماز قصد کردید ظهراً استمرار دهید، اینجا اگر از اول هم نیت عصر کرده باشید، خود به خود عدول واقع می‌شود، خود عدول، عنوان قصدي نیست که شما بخواهید آن را قصد کنید. یا مثلاً در باب فریضه و نافله؛ يك وقت می‌گوئیم قصد العدول إلی النافله لازم است، اگر قصد عدول نکنیم، أصلاً این عدول محقق

نمی‌شود.

يك وقت هم می‌گوئیم از حالا به بعد اگر در استمرار نماز، حتی آن سجده‌ی آخر نماز را به عنوان نافله قصد کنی، عدول خود به خود واقع می‌شود. پس بین این دو عنوان فرق وجود دارد؛ يك عنوان این است که ما بگوئیم از ادله‌ی عدول استفاده می‌شود که مصلی باید قصد عدول کند، اگر در ما نحن فیه بخواهیم این عنوان را استفاده کنیم، مشکل است. اما اگر گفتیم از ادله‌ی عدول، قصد العدول استفاده نمی‌شود، ادله‌ی عدول می‌گوید اگر دنباله‌ی نماز را به نیت ظهر آوردی، خود به خود ینقلب ظهراً، اگر دنباله نماز را به نیت نافله آورده خود به خود ینقلب نافله. اگر این را گفتیم، آنگاه می‌گوئیم در ما نحن فیه اگر دنباله را به عنوان ظهر آوردیم، اگر از اول هم نیت عصر شده باشد ینقلب ظهراً، و معنای عدول همین است. بنابراین باید بگوئیم آنچه که مرحوم محقق عراقی و مرحوم حکیم به عنوان عدول رجائی گفتند مرادشان همین است، یعنی به رجاء اینکه در واقع ینقلب ظهراً، نه اینکه بگوئیم قصد عدول کند. این آدم از الان به بعد یقیناً باید قصد نماز ظهر کند، حالا که قصد نماز ظهر کرد، اگر در واقع از اول قصد عصر کرده باشد این عدول واقع می‌شود. یا آنچه که مرحوم آقای خوئی فرمودند که این عدول تقدیری است، مرادشان همین است که الآن بیان کردیم با همین توضیحی که عرض شد.

وجوب عدول در صورت شک

مطلب دیگری که وجود دارد این است که آیا این عدول واجب است یا واجب نیست؟ بعبارة آخری؛ کسی که در اثناء نماز است، «هل يجوز له قطع الصلاة» در همین فرضی که یقین دارد نماز ظهر را نخوانده، یا شاک است که نماز ظهر را خوانده یا نه؟ الآن هم در اثناء این نماز نمی‌داند چه چیز را قصد کرده؛ آیا نماز ظهر را قصد کرده یا عصر را؟ آیا این شخص می‌تواند این نماز را قطع کند، سپس از اول شروع کند به نماز ظهر و بعد هم نماز عصر را بخواند؟ آیا قطع جایز است یا نه؟ ظاهر ادله‌ی عدول - که می‌گوید اگر کسی در اثناء نماز عصر یادش افتاد که نماز ظهر را نخوانده -، این است که قطع جایز نیست، یعنی شارع متعال برای اینکه شخص گرفتار قطع نماز نشود مسأله‌ی عدول را مطرح کرده، عدول يك امر ترخیصی نیست، بلکه لزومی است. يك وقت می‌گوئیم از ادله‌ی عدول استفاده کنید، این می‌تواند عدول به ظهر کند، اگر گفتید این مقدار دلالت دارد، معنایش این است که پس قطع نماز هم جایز است. اما اگر گفتیم ادله‌ی عدول، دلالت بر لزوم عدول دارد و عدول عنوان وجوب دارد، قطع جایز نیست. انسان وقتی لسان ادله‌ی عدول را ببیند به همین نتیجه می‌رسد که شارع برای اینکه این شخص گرفتار قطع صلاة نشود راه عدول را برای او قرار داده، حال اگر بگوید با اینکه عدول برای او ممکن است، قطع نماز هم جایز است، این نقض غرض می‌شود. پس قطع نماز در اینجا جایز نیست.

«عدول»؛ مطابق قاعده یا مخالف قاعده؟

مطلب سوم که باز در کلمات مرحوم عراقی است این است که آیا عدول مطابق اصل و قاعده است یا مخالف با قاعده است؟ در ما نحن فیه فرق نمی‌کند که مطابق قاعده باشد یا نباشد؟ ما در اینجا، بحث را ذیل همان روایات می‌بریم، می‌گوئیم از همین روایت استفاده می‌شود، خواه مطابق قاعده باشد یا نباشد. ولی این خودش يك بحث علمی است که آیا عدول در نماز، مطابق با قاعده است یا مخالف؟ مرحوم عراقی می‌فرماید ما اگر از ادله استفاده کردیم که افتتاح نماز ملاک است، مثل آن روایاتی که در ابواب النیّه خواندیم که نماز بر همانی است که افتتاح شده، «علي مبتدء به»، بر همانی است که افتتاح شده. نتیجه این می‌شود که بعداً اگر کسی قصد خلاف کند، این قصدش لغو است. ایشان می‌خواهند از این روایات استفاده کنند که در تمام نماز باید قصد عنوان ظهريت، عصریت، فریضه و نافله باشد. اگر کسی در اول نماز، قصد فریضه کرده این باید تا آخر بماند، قصد صبح کرده باید تا آخر بماند، قصد عصر کرده تا آخر باید بماند، بعداً اگر يك قصد خلافی کرد، این لغو است. اما بعد می‌فرمایند

از خود روایات عدول استفاده می‌کنیم آنچه که در قصد این عناوین معتبر است، اتمام نماز است، یعنی اتمام نماز را با چه قصدی انجام داده و محقق کرده؟ کسی می‌خواسته نماز صبح بخواند، از اول نماز، نیت فریضه کرده، سجده‌ی آخر رکعت دوم، نیت نافله کرد، **ینقلب بنافله**، ما با توجه به این روایات بگوئیم چنین ملاکی استفاده می‌شود. پس مرحوم عراقی مبنای مطابق قاعده یا خلاف قاعده بودن عدول را این دو دسته روایات قرار داده، یعنی ایشان می‌فرمایند اگر قائل شدیم نیت در نماز فی جمیع است و از اول نماز معتبر است، «عدول» خلاف قاعده می‌شود. اگر قائل شدیم ملاک؛ اتمام الصلاة است، عدول مطابق قاعده می‌شود. یعنی قاعده می‌گوید نماز آن چیزی است که شما آخرش نیت می‌کنی، هر نیتی که در آخرش کردی نماز به همان نیت واقع می‌شود، ملاک؛ اتمام نماز است، نه ابتدای نماز.

مناقشه در کلام مرحوم عراقی

در بحث گذشته، در فرمایش مرحوم عراقی مناقشه‌ای کردیم و آن اینکه آن روایاتی که مسأله‌ی افتتاح نماز و ابتدای نماز را می‌گوید، اصلاً ربطی به مسأله‌ی عدول ندارد و موردش مورد عدول نیست. کسی در اول نماز، نیت فریضه کرد، در وسط نماز، برایش سهوی واقع می‌شود و خیال می‌کند که اول نماز، نیت نافله کرده و تا آخر با همین نیت نافله ادامه می‌دهد، در چنین موردی می‌فرماید «**الصلاة علی مبتدء به اولاً**». بعبارةً أُخری؛ ما از این روایات استفاده نمی‌کنیم که ملاک در نیت، نیت اول است تا آخر، این مورد روایات یک مورد دیگری است که اصلاً ربطی به مسأله‌ی عدول هم ندارد. پس ما نباید این روایات را اینجا محل بحث قرار دهیم. ما هستیم و یک دسته روایات، که می‌گوید از فریضه می‌شود به نافله عدول کرد، از لاحقه می‌شود به سابقه عدول کرد، و باید به همین روایات هم اکتفا کنیم. یعنی اگر ما باشیم و این روایات، نمی‌توانیم استفاده کنیم که عدول بر طبق قاعده است. این روایات فقط می‌گوید در چنین مواردی عدول جایز است، اما از آنها استفاده نمی‌کنیم که همه جا عدول جایز است. از این روایات استفاده نمی‌شود که در هر نمازی، ملاک آن نیت اختتامیه نماز است، که مرحوم محقق عراقی فرمودند. عرض ما این است که از کجای این روایت استفاده می‌شود؟ در روایات می‌گوید از لاحقه می‌شود به سابقه عدول کرد، در این موارد شارع اجازه داده، ما دلیلی نداریم بر اینکه نیت اختتام و اتمام در تمام صلوات و نمازها کفایت می‌کند. فقط بر همین‌ها کفایت می‌کند.

پس مناقشه‌ی ما در فرمایش مرحوم عراقی این است که اولاً: روایاتی که مسأله‌ی نیت افتتاحیه را مطرح می‌کند، ارتباطی به بحث عدول ندارد. ثانیاً: از آن روایاتی که در باب عدول وارد شدید و می‌خواهید کفایت نیت اختتام را استفاده کنید، چنین استفاده‌ای نمی‌شود، این روایات می‌گوید می‌توان از لاحقه به سابقه عدول کرد، از فریضه به نافله عدول کرد، اما از کجای این روایات، کفایت نیت در اتمام نماز (در تمام نمازها) استفاده می‌شود؟! این هم مناقشه‌ای که بر فرمایش مرحوم محقق عراقی وارد است.

مرحوم عراقی (روائع، ص 8) می‌فرماید «و الأصل فی ذلك ما ورد من النصوص فی باب العدول من اللاحقة إلى السابقة و من الفریضة إلى النافلة الکاشفة عن کفایة قصد العنوان و لو إتماماً فی الموارد المخصوصة»؛ یعنی می‌خواهند یک ملاکی را استنباط کنند که در این موارد، در روایات، قصد عنوان ولو اتماماً، یعنی اختتاماً کافی است. عرض ما این است که شما در همین موارد که در روایات مسأله‌ی عدول را مطرح کرده، نمی‌توانید قصد اتمام را به نحو کلی استفاده کنید، خود ایشان هم کلمه‌ی «**بالموارد المخصوصة**» را آورده، پس نمی‌توانید در تمام نمازها چنین ملاکی را به دست بیاورید. پس در بحث گذشته؛ ما یک مناقشه‌ای به مرحوم عراقی کردیم، که ایشان می‌فرماید «و الأصل فی ذلك ما ورد فی...»؛ اشکال هم خیلی روشن بود که در باب عدول، از اول مشخص است که شما چه نیتی کردی، اما در ما نحن فیه؛ از اول شما شك دارید که نیت ظهر کردید یا عصر؟ بعد در بحث امروز حلّ مناقشه به این شد که اگر از روایات عدول استفاده کنیم که قصد عدول لازم است، قصد عدول متوقف است بر إحراز عنوان معدولّ عنه، یعنی شما اول بدانید که این نماز عصر است، اما حالا که شك هستید چطور می‌خواهید قصد عدول کنید، عدول متوقف بر إحراز عنوان معدولّ عنه است، مثل اینکه من می‌خواهم قصد تعظیم کنم، تعظیم متوقف است بر اینکه یک ما بازایی باشد که من به او تعظیم کنم، بگویم من همینطور قصد تعظیم می‌کنم، نمی‌دانم کسی هست یا

نه، این اصلاً مثل لا قصد است.

اگر از روایات عدول استفاده کردیم که «قصد العدول» لازم است، «قصد العدول يتقوّم باحراز عنوان المعدول عنه»، اینجا دیگر این روایات عدول به درد ما نمی‌خورد. اما اگر از روایات عدول این را استفاده نکردیم، و گفتیم روایات عدول نمی‌گوید قصد عدول لازم است، بلکه می‌گوید از حالا به بعد تو می‌توانی نیت ظهر کنی، همین که نیت ظهر کردی، با استمرار نماز تا آخر نماز، خود به خود عدول واقعی محقق می‌شود. در این صورت می‌گوئیم این دیگر مانعی ندارد. مثلاً من در اثناء نماز می‌دانم از اول نماز نیت ظهر کردم یا عصر؟ از حالا نیت می‌کنم ظهر را. اگر از اول نیت ظهر بوده که اینجا واقعاً عدولی نیست، اگر از اول عصر بوده واقعاً عدول است، قصد عدول لازم می‌آید. در ما نحن فیه هم می‌گویم از حالا به بعد نیت ظهر می‌کنم، مثل همان چهار فرضی که مرحوم آقای حکیم فرمودند که اگر به حسب واقع هم نیت عصر کرده باشم، به حسب واقع عدول محقق می‌شود، اگر هم نیت ظهر کرده بودم که همان استمرار نماز ظهر است.

کلام مرحوم امام

نکته‌ی دیگر؛ فرمایش امام (رضوان الله علیه) است. دیگران متعرض این نکته نشده‌اند که این نماز چهار رکعتی که الآن در آن شک است، آیا در وقت مختصّ به ظهر واقع شده، یا در وقت مشترک واقع شده یا در وقت مختصّ به عصر؟ ولی این تفصیل در کلام امام (رضوان الله علیه) است. البته عرض کردیم که اول کسی که بین وقت مشترک و مختصّ تفصیل داده مرحوم آل یاسین در حاشیه‌ی عروه است، منتهی مرحوم امام مقداری دقیق‌تر وارد شده‌اند. حالا بیان ایشان چیست؟ می‌فرمایند اگر در وقت مشترک است، «لا اشکال فی لزوم العدول إلی الظهر»، یعنی تمام این حرف‌هایی که الآن زدیم که نتیجه‌ی حرف ما این بود که در اینجا قطع جایز نیست، عدول، تریخی نیست بلکه وجوبی است، ایشان هم می‌فرمایند در وقت مشترک، تمام این حرف‌ها درست است. اما اگر در وقت مختصّ به ظهر نماز می‌خواند، وسط چهار رکعتی شک می‌کند که از اول نیت ظهر کرد یا نیت عصر؟ یقین هم دارد که نماز ظهر را خوانده، که البته اینجا و لو اینکه ایشان این را نفردند، اینجا دیگر ما نمی‌توانیم تصویر کنیم که شک در این است که نماز ظهر را خوانده یا نه؟ وقت مختصّ به ظهر است، همان چهار رکعت اول وقت است، یقیناً خوانده و وسط نماز شک می‌کند که نماز ظهر است یا عصر؟ ایشان اینجا اشاره‌ای می‌کنند به یک مبنايي در باب وقت مختصّ، که ما هم چند روز پیش اشاره کردیم، اگر در وقت مختصّ به ظهر کسی سهواً نماز عصر خواند، مشهور می‌گویند این مثل نماز خارج وقت است. در مقابل مشهور، بعضی می‌گویند وقتی وقت زوال شد «إذا جاء وقت الزوال جاء وقت الصلاتين»، یا «إذا زالت الشمس دخل وقت الصلاتين»، نظیر این تعبیر در روایات هست. در مقابل مشهور، می‌گویند اگر کسی سهواً در وقت مختصّ به ظهر، شروع کرد به نماز خواندن به عنوان العصر، نماز عصر واقع می‌شود، نماز خارج وقت نیست.

الآن در این بحث نمی‌خواهیم مبنا را توضیح دهیم، باید علی‌المبنا بحث کنیم و إلا جای این بحث هست که آیا اینجا اصلاً چیزی به عنوان وقت المختص یا وقت المشترك داریم یا نه؟ آیا مشهور قائلند یا نه؟ اینجا علی‌المبنا صحبت می‌کنیم. امام (رض) می‌فرمایند اگر قائل شدیم که خواندن این نماز در آن وقت مختصّ به عصر، مثل این است که نماز خارج وقت خوانده شود، «لا يمكن تصحيح الصلاة بالعدول إلی الظهر»، این مثل این است که شما پنج دقیقه قبل از وقت اذان، یک نماز چهار رکعتی شروع کنید و بخواهید عدول به ظهر کنید. این درست نیست و نماز خارج وقت است. اینجا می‌فرماید جای عدول نیست. موضوع أدله‌ی عدول می‌گویند نماز صحیح است و اینجا نماز خارج وقت است. نماز خارج وقت، نماز صحیح است، اما می‌فرمایند اگر قائل شدید به اینکه در وقت مختصّ به ظهر اگر کسی نماز عصر خواند، نماز خارج وقت نیست، اینجا می‌فرمایند عدول لازم است، یا عدول صحیح است.